

بررسی چالش‌های حوزه دیپلماسی فرهنگی ایران با کشورهای عربی منطقه خاورمیانه

نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15601986.1399.27.4.3.1

بهنام خالدي* حامد عامري گلستاني** غلامحسین حسین‌زاده‌شانه‌چی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۶

چکیده

منطقه خاورمیانه در طول تاریخ همواره یکی از نقاط استراتژیک و مهم جهان بوده است. قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای همواره در پی تسلط بر این منطقه بوده‌اند و از راه جنگ و تسلط نظامی خواهان در اختیار گرفتن امور این منطقه بوده‌اند. اما جمهوری اسلامی ایران به دلیل حضور فرهنگی در طول تاریخ توانسته با استفاده از دیپلماسی فرهنگی ایران با کشورهای به همکاری‌های فراوانی برسد، اما در راستای بهبود این پیشرفت‌ها با مشکلات و چالش‌هایی روبه‌رو شده است. این پژوهش قصد دارد تا با رویکردی توصیفی تحلیلی به بررسی چالش‌های حوزه دیپلماسی فرهنگی ایران با کشورهای عربی منطقه خاورمیانه بپردازد و در این راستا این سؤال را مطرح می‌کند که: «جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی فرهنگی با چالش‌های در کشورهای عربی منطقه خاورمیانه مواجه است؟» و در ادامه این فرضیه مطرح می‌شود که «جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی فرهنگی با دو چالش عمده، مشکلات تاریخی با برخی از کشورهای منطقه و دیپلماسی فرهنگی رقیب جمهوری اسلامی ایران در منطقه مواجه است.» در انتها پس از پردازش داده‌های موجود به نتیجه‌گیری و پیشنهاد در راستای بهبود شرایط ایران در منطقه پرداخته می‌شود.

کلیدواژه: دیپلماسی، دیپلماسی فرهنگی، خاورمیانه، ایران‌هراسی

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران. behnamekhalidi867@gmail.com

** استادیار علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول). hamed.ameri@gmail.com

*** استادیار گروه عرفان اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان، ایران. shanechi_1385@yahoo.com

مقدمه

ایران در طول تاریخ متفاوت بودن خود را به تمام دنیا نشان داده است و این موضوع موجبات برانگیختن تحسین و یا بغض را برای دیگران پدید آورده است. در طول تاریخ، بسیاری به ایران، فرهنگ و تاریخ ایران عشق نشان داده و بسیاری هم ابراز تنفر می کرده‌اند، بازتاب این امر تا بدان جا است که در آثار گذشتگان نیاز برداشت یکسانی درباره ایران نمی‌توان یافت. این تمایز برداشت از مفهوم، فرهنگ و سیاست ایرانی ریشه انشعابی از تصویرپردازی ایران است که می‌کوشد ایران را در پیوند با ضد ارزش‌های جامعه جهانی قرار دهد. برخی کارشناسان ایران هراسی را ناشی از استقلال طلبی ایران از آمریکا می‌داند. آمریکا سعی دارد تا از ظهور هژمون‌های استقلال طلب منطقه‌ای جلوگیری کند. هرچه رفتار آن‌ها مستقل‌تر باشد آمریکا فشار بیشتری بر آن‌ها اعمال می‌کند. بر این اساس، آمریکا از آن رو به ایجاد امواج ایران‌هراسی در منطقه و جهان دامن می‌زند که ایران می‌کوشد مستقل از هژمونی جهانی رفتار کرده و جهان‌بینی آن بسیار متفاوت با ابرقدرت جهانی است وقوع انقلاب اسلامی که باعث کوتاه شدن دست آمریکا از منابع ایران و محروم شدن آن کشور از دسترسی به موقعیت ممتاز جغرافیایی سیاسی ایران شد منافع آمریکا در منطقه را با چالشی جدی مواجه ساخت و جمهوری اسلامی ایران را در مقابل آمریکا قرار داد (مهدی‌زاده و میرحسینی، ۱۳۹۶: ۳).

پژوهش حاضر بر آن است تا با رویکردی توصیفی تحلیلی به بررسی چالش‌های حوزه دیپلماسی فرهنگی ایران با کشورهای عربی منطقه خاورمیانه به پردازد و در این راستا این سؤال را مطرح می‌کند که: «جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی فرهنگی با چالش‌های در کشورهای عربی منطقه خاورمیانه مواجه است؟» و در ادامه این فرضیه مطرح می‌شود که «جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی فرهنگی با دو چالش عمده، مشکلات تاریخی با برخی از کشورهای منطقه و دیپلماسی فرهنگی رقیب جمهوری اسلامی ایران در منطقه مواجه است». در انتها پس از پردازش داده‌های موجود به نتیجه‌گیری و پیشنهاد در راستای بهبود شرایط ایران در منطقه پرداخته می‌شود.

چارچوب نظری

واقع‌گرایی یک نظریه فراگیر و کلان روابط بین‌الملل است که درصدد تبیین کلی سیاست بین‌الملل و پدیده‌های گوناگون بین‌المللی بر اساس ویژگی‌های ثابت انسان‌ها و کشورهاست. به عبارت دیگر، واقع‌گرایی برای فهم و توضیح روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها به خصوصیات ملی کشورها و انسان‌ها تأکید می‌کند. این نظریه که مبتنی بر واقع‌گرایی سیاسی است و ریشه در اندیشه‌های مورخین و فلاسفه‌ای چون توسیدید، ماکیاولی و هابز دارد. مکتب واقع‌گرایی بر جهان آن‌گونه که باید باشد تأکید می‌ورزد و مدعی است که جهان را آن‌گونه که هست توضیح می‌دهد. از منظر واقع‌گرایی، نظام بین‌الملل متشکل از کشورهای دارای حاکمیت مستقل و منفعت‌طلب با منافع متفاوت و متعارض است که تلاش می‌کنند تا حد امکان آن منافع را افزایش دهند. واقع‌گرایان سیاست بین‌الملل را به‌صورت حوزه‌ای تعریف می‌کنند که قانون و اخلاق در آن نقشی ندارد و مبارزه برای کسب قدرت بر مناسبات کشورها حاکم است. بنابراین، واقع‌گرایان بر رفتار کشورها و راهبردهایی که آن‌ها برای تأمین بقا و افزایش منافع خود به کار می‌برند، متمرکز می‌شوند (رضوی، ۱۳۸۴: ۱۲۲).

واقع‌گرایی برای تبیین روابط بین‌الملل و تحلیل سیاست خارجی بر اصول و مفاهیم بنیادینی چون قدرت‌محوری، دولت‌محوری، منافع ملی، موازنه قوا، وضعیت طبیعی، عقلانیت و بقا تأکید می‌کند. واقع‌گرایان قدرت را به‌منزله مفهوم بنیادی روابط بین‌الملل قلمداد می‌کنند که نقشی همانند انرژی در فیزیک را ایفا می‌کند. در این مکتب سیاست بین‌الملل، مانند انواع دیگر سیاست، مبارزه و کشمکش بر سر قدرت است و قدرت حرف آخر را می‌زند. مهم‌ترین انگیزه و هدف کشورها در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کسب حداکثر قدرت و نفوذ و بسط خارجی آن است. قدرت‌طلبی کشورها امری طبیعی است که از سرشت انسان سرچشمه می‌گیرد و در نظام بین‌الملل غیرمتمرکز برای حفظ بقا و ادامه حیات تشدید و تقویت می‌شود. بنابراین، قدرت هم هدف است و هم وسیله برای ادامه حیات. واقع‌گرایی همچنین فرض می‌کند که دولت‌ملت‌ها

یا کشورها بازیگران اصلی روابط بین‌الملل هستند که هسته مرکزی نظام بین‌الملل را تشکیل می‌دهند، در نتیجه این رویکرد نظری، روابط بین کشورهای دارای حاکمیت و تعاملات سیاسی را که مبتنی بر اصول قدرت و منافع ملی است، مورد توجه و بررسی قرار می‌دهد.

واقع‌گرایان استدلال می‌کنند که به‌رغم ظهور بازیگران غیردولتی، همانند سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای فراملی، در نظام بین‌الملل، دولت ملی کماکان مهم‌ترین بازیگر در سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. این کشورها هستند که تصمیم‌نهایی را می‌گیرند و برای اجرای آن در سیاست بین‌الملل اقدام می‌کنند. بنابراین بازیگران غیردولتی، کنش‌گران ثانویه و درجه دومی هستند که نقش حاشیه‌ای در تعیین نتایج بین‌المللی و سیاست خارجی کشورها دارند (رضوی، ۱۳۸۴: ۱۲۸).

بر اساس رویکرد واقع‌گرایی، بازیگری که عاقلانه عمل می‌کند، دولتی است که تلاش می‌کند تا منافع ملی خود را به حداکثر برساند، زیرا در یک نظام بین‌الملل غیرمتمرکز، غیرمتمشکل و سرشار از هرج‌ومرج و تعارض از کشورهای مشابه و منفعت‌طلب، تعهد و وظیفه اصلی حکومت و دولتمردان، تأمین منافع جامعه ملی و دولتی است که نمایندگی آن را به‌عهده دارند، بنابراین رفتار کشورها بر اساس منافع ملی تبیین و تعیین می‌شود. زمینه اصلی طرح نظریه واقع‌گرایی در بعد از جنگ دوم جهانی آغاز شد. در واقع، واقع‌گرایی نوین واکنشی دسته‌جمعی در مقابل آرمان‌گرایی بوده است. واقع‌گرایان اعتقادی به انقلاب در سیاست بین‌الملل ندارند، زیرا معتقدند اگر بازیگران جدیدی در صحنه وارد شوند بعد از مدتی مشخصات بازیگران قبلی را پیدا می‌کنند و درصدد تأمین امنیت و منافع خود خواهند رفت. مفهوم دیگر مورد نظر واقع‌گرایان آشوب‌زدگی است، منظور این است هیچ حکومت مرکزی در نظام بین‌الملل نیست و کنترل مطلق بر کل نظام وجود ندارد و دلیل تمایز عرصه داخلی از عرصه بین‌المللی همین نبود اقتدار در سطح جهانی می‌باشد. در واقع محیط یا نظام دولتی که دولت‌ها در آن زندگی می‌کنند اساساً آنارشیک است و آنارشیک بودن نظام دولتی در واقع ریشه در برداشت هابز در زمینه برقرار بودن وضعیت طبیعی

در روابط بین‌الملل دارد. از نظر آن‌ها تعارض و رقابت به‌عنوان رابطه‌ای است که در نظام بین‌الملل حرف اول را می‌زند.

چالش‌های حوزه دیپلماسی ایران در خاورمیانه الف: مشکلات تاریخی با برخی از کشورهای منطقه

عوامل ژئوپلیتیکی و اگرایی اثرگذار بر روابط ایران در کشورهای اسلامی پیرامونی موقعیت ممتاز ایران در نقشه جغرافیای سیاسی جهان از دیرباز کانون توجهات اندیشمندان و ژئوپولیتیسین‌ها بوده است (ربیعی، ۱۳۹۳: ۱۱۲-۸۹). سرزمین ایران به‌مثابه ظرف طبیعی فضای سیاسی کشور ایران، دربردارنده زمینه‌هایی از تنش است که عمده‌تأ ریشه در جغرافیای این سرزمین دارند و به‌عنوان منابع جغرافیایی تنش، مختص فضای سرزمینی ایران هستند. فضای سرزمینی کشور ایران که بخشی از فالت ایران است فراخور چشم‌انداز توپوگرافیک متنوع، از عناصر طبیعی و انسانی گوناگون و بعضاً ناهمگون و نامتجانس با مرزهای ناپایدار که تولید قبض و بسط‌های ناشی از نیروهای واگرا و هم‌گرا و نیز شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی در دوره‌های مختلف بوده است همراه با گروه‌های اقلیت پیرامونی با گرایش‌های مختلف، منابع طبیعی سطح‌الارضی و تحت‌الارضی و... برخوردار می‌باشد که زمینه‌های بروز تنش و منازعه در سطوح محلی، ناحیه‌ای، ملی و منطقه‌ای را فراهم می‌نمایند که به‌عنوان موانع گسترش نفوذ ایران در کشورهای اسلامی همسایه محسوب می‌شوند و در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی اجتماعی و امنیتی دارای کارکرد می‌باشند.

ادعاهای ارضی: ارزش استراتژیک مناطق همواره برای دولتمردان کشورها یک امر بدیهی می‌باشد. از آنجایی که مرزهای ایران حاصل قبض و بسط‌های تاریخی است مسائل سرزمینی در آن به چشم می‌خورد. از بین این مرزها، ایران بحرانی‌ترین شرایط را در مرز با عراق و سپس امارات متحده عربی در خصوص جزایر سه‌گانه دارد. به یاد داشته باشیم که یکی از مهم‌ترین عوامل جنگ ۸ ساله بین ایران و عراق، ادعای عراق بر سرزمین خوزستان ایران بود و این امر می‌تواند

همچنان به عنوان یکی از عوامل تنش‌زا مطرح باشد چرا که ادعای اعراب عراق بر خوزستان و منطقه عرب نشین ایران، یک ادعای تاریخی است. چنین به نظر می‌رسد که خوزستان به عنوان یک اهرم فشار در روابط ایران و عراق در آینده نیز مطرح باشد. موضوع دعاوی کشور امارات در قبال جزایر سه‌گانه ایرانی به یکی از جنجال‌برانگیزترین این اختلافات تبدیل شده است. ایران با امارات متحده عربی بر سر جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی که به لحاظ استراتژیکی در مسیر عبور تانکرها و در دهانه تنگه هرمز واقع شده‌اند دارای اختلاف است. موقعیت جزایر و حضور نظامی ایران بر اهمیت استراتژیک این اختلاف می‌افزاید (عزتی، ۱۳۸۹: ۲۵).

تعارضات ایدئولوژیک: بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران شاهد تغییر در هویت جامعه ایرانی بودیم. هویتی که نظام اعتمادپایه منطقه خلیج فارس بر اساس آن شکل گرفته بود. این تغییر، هویت جامعه ایران را سه‌وجهی کرد. هویت ایرانی، انقلابی و اسلامی (عسگرخانی و بابایی، ۱۳۹۱: ۱۶۶) با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ایران سیاست جدید و ویژه‌ای را در پیش گرفت. جمهوری اسلامی ایران خواستار وحدت همه مسلمانان جهان برای حمایت مستضعفان و مبارزه با مستکبران بود، اما در عمل به علت برخوردهای شدیدی که بین سیاست خارجی ایران با کشورهای عرب که غالباً انقلاب اسلامی را یک تهدید ایدئولوژیکی تلقی می‌کنند ایجاد شد و جهت‌گیری آرمان‌های انقلاب اسلامی به سمت یک اتحادیه شیعی مسجل گردید (نصرتی، ۱۳۹۵: ۱۰۶). این مسئله در مقابل ادعای عربستان سعودی که خود را داعیه‌دار حرمین و وارث واقعی تمدن اسلامی می‌دانست قرار گرفت. در چند دهه گذشته، همواره نگرش‌های منفی در میان کشورهای عرب خلیج فارس نسبت به ایران وجود داشته که تحت سیطره مباحثات تقابلی ایدئولوژیکی چون عرب - عجم و شیعه - سنی قرار گرفته است. به گونه‌ای که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را در تقابل با ارزش‌ها و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران قرار داد. ساختار روابط ژئوپلیتیک خلیج پارس همواره تحت تأثیر جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های دو بازیگر منطقه‌ای مهم و تأثیرگذار یعنی ایران به عنوان قطب ژئوپلیتیک شیعه و عربستان سعودی به عنوان مهم‌ترین

مرکز گسترش تفکر سلفی‌گری در منطقه می‌باشد (بازدار و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۷). از سوی دیگر، هشدار ملک عبدالله در ۲۰۰۴ برای تهدید هلال شیعی، دولت‌های محافظه‌کار عرب را به ورود در یک اتحاد با اسرائیل و ایالات متحده در طرحی جهت کنترل ایران و اسلام‌گراها سوق داد. همچنین، تقابل اسلام شیعی و نیز اسلام انقلابی با اسلام سنی ارائه شده در چارچوب نظام‌های سکولار آسیای مرکزی و قفقاز را باید یکی از مهم‌ترین عوامل واگرایی ایران با کشورهای این منطقه به شمار آورد. به‌عنوان مثال، ترکمن‌ها یک حکومت مبتنی بر اندیشه‌های پان‌ترکیسم و ایده حکومتی لائیک ایجاد کرده‌اند. از سوی دیگر هویت لائیک نظام سیاسی آذربایجان و گرایش آن به ملی‌گرایی و غرب‌گرایی، به همراه سیاست‌های خارجی آن می‌تواند نگرانی‌هایی را در خصوص منافع ملی ایران به وجود آورد (نصرتی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۴).

موانع سیاسی: یکی دیگر از عوامل اثرگذار بین ایران و کشورهای اسلامی هم‌جوار، سیاست‌های حکومت‌ها و جهت‌گیری‌های آن‌هاست که گه‌گاه امکان تقارب و هم‌سویی را با مشکل مواجه می‌سازد. سیستم حکومتی ایران و کشورهای هم‌جوارش از نوع تک‌ساخت و تمرکزگراست. تمرکز قدرت در رأس نظام سیاسی و عدم توزیع متوازن قدرت سیاسی و اجرایی در واحدهای جغرافیایی کشورها، ضمن سلب قدرت تصمیم‌گیری و دخالت در امور سیاسی و امنیتی از طرفی و بعضاً عدم هم‌سویی رهبران سیاسی در جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و یک‌جانبه‌گرایی برخی از آن‌ها از طرف دیگر، موجب نوعی عدم احساس وابستگی مشترک و همیاری بین ملت‌ها و دولت‌های منطقه شده است. گرایش به ذهنیت معطوف به توطئه، بخصوص در عرصه سیاست بین‌الملل، یکی از ویژگی‌های اصلی چشم‌انداز سیاسی ایران است. مادام که جامعه ایرانی به‌طور کلی و سایر جوامع اطراف آن به‌نوعی درک عمیق‌تر از باز بودن و آگاهی بیشتر نسبت به عملکرد سایر دولت‌ها نرسیده‌اند و آگاهی لازم برای کنار گذاشتن نظریه توطئه به‌عنوان ویژگی اصلی سیاست بین‌الملل را پیدا نکرده‌اند، چنین ذهنیتی از ریشه تغییر نخواهد کرد. کاهش پدیده مداخله قدرت بزرگ نیز یکی از پیش‌نیازهای مهم تضعیف ذهنیت توطئه است. نتیجه چنین

سیاست‌های ناهمگون، امروز در تحولات خاورمیانه مشهود است که پیامدهای آن در مسائل سوریه، فلسطین، لبنان، یمن، حوزه خزر و... بروز و نمود پیدا کرده است (نصرتی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۳). از سوی دیگر، موضوعات استراتژیک حاصل از این سوءظن‌ها و سیاست‌های نادرست، موجب بروز مسابقه تسلیحاتی در منطقه شده است. منطقه‌ای که مخالفت‌های سیاسی موجود در آن به تداوم مسابقه تسلیحاتی منجر شده، به‌ویژه هراس کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از برتری قدرت نظامی ایران، آن‌ها را به خرید تسلیحات نظامی گسترده از کشورهای غربی علی‌الخصوص ایالات متحده واداشته است (بازدار و همکاران، ۱۳۹۵: ۷).

حمایت از اقلیت‌ها و تحرکات سیاسی مذهبی داخلی توسط کشور همسایه: مهم‌ترین گروه‌های اقلیت در داخل فضای سرزمینی ایران مربوط به اقلیت‌های دینی مذهبی همچون مسیحی، زرتشتی، کلیمی و اهل سنت است. هرچند آمار چندان دقیقی از اقلیت‌ها در ایران یافت نمی‌شود، ولی از میان آن‌ها اقلیت مذهبی اهل سنت به لحاظ کمیت و موقعیت جغرافیایی که اکثراً در نواحی مرزی کشور ساکن هستند از اهمیت زیادی برخوردارند و سایر اقلیت‌ها از این حیث قابل ملاحظه نمی‌باشند. با توجه به ماهیت شیعی انقلاب اسلامی و تعارض ماهوی با حکومت‌های سنی منطقه، گروه اهل سنت عمده‌ا از سوی حکومت‌های سنی پیرامونی ایران همچون عربستان سعودی مورد حمایت بوده و جهت گسترش نفوذ و ترویج عقاید مذهبی در بین این گروه اقلیت تلاش‌های فراوانی می‌نماید. این در حالی است که گروه‌های شیعی اقلیت در کشورهای همسایه نیز مورد حمایت ایران بوده و ایران در صحنه‌های مختلف همواره سعی در دفاع از حقوق آن‌ها دارد. در حال حاضر در بین کشورهای پیرامونی ایران، کشور عراق (۵۰/۶۲ درصد)، آذربایجان (۷۰ درصد) و بحرین (۶۱ درصد) دارای اکثریت اهل تشیع در ترکیب جمعیتی خود هستند و پاکستان حدود ۲۰ درصد، افغانستان ۱۵ درصد و کویت ۳۰ درصد شیعه دارند (نصرتی، ۱۳۹۱: ۸۳). حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد اهل تشیع در نواحی شرقی عربستان ساکن هستند شیعیان برای آل سعود دارای اهمیت راهبردی هستند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۳-۹۵).

نکته قابل توجه در اینجا این است که اگرچه اهل تشیع در برخی کشورهای پیرامون ایران به لحاظ کمیت در اکثریت هستند، اما در ساختار قدرت کشورهای خود نقشی نداشته و دارای جایگاه سیاسی اجتماعی برابر با اقلیت حاکم نیستند و از این لحاظ در کشور خود اقلیت محسوب می‌گردند. مانند شیعیان بحرین که برخلاف دارا بودن میزان اکثریت در ترکیب جمعیتی این کشور در مناسب اجتماعی و سیاسی اقلیت هستند و طی سال‌های اخیر به دنبال کسب جایگاه واقعی خود در جامعه بحرین در حال مبارزه می‌باشند که این حرکت آن‌ها از جانب ایران مورد حمایت واقع شده است و یا در کشور آذربایجان هرچند اکثریت مردم آذربایجان را اهل تشیع تشکیل می‌دهد، اما سیاست‌های رهبران سیاسی آن‌ها و نیز حاکمیت کمونیسم قبل از فروپاشی شوروی و نفوذ اندیشه‌های سکولار و نیز ترویج وهابیت و یهودیت بعد از فروپاشی، منجر به تأثیرات قابل توجهی شده است (موران، ۲۰۰۵: ۳).

گسترش فضایی گروه‌های قومی در دو سوی مرز (مناقشات قومی): با پایان جنگ سرد

تشدید شده و پشتیبانی جدید بین‌المللی از اصل تعیین سرنوشت برای گروه‌های قومی، مرزهای ملی را به هم ریخته و اقتدار رژیم‌های بومی خاورمیانه و پیرامون آن را با مشکل مواجه ساخته است (عزتی، ۱۳۸۹: ۱۹). این مورد در محورهای شمالی، شرقی و غربی فضای سرزمینی ایران مشهود است. در بخش شمالی ایران، سه گروه قومی‌زبانی مشخص یعنی آذری‌ها، تالشی‌ها و ترکمن‌ها ساکنند که در دو سوی مرز دارای گسترش فضایی می‌باشند. مشخص‌ترین گسترش فضایی قومی در مناطق مرزی شرق، مربوط به قوم بلوچ می‌باشد. بلوچستان ایران، منطقه دورافتاده‌ای از کشور است که با ایلات بلوچستان در جمهوری فدرال پاکستان و ناحیه بلوچ‌نشین افغانستان پیوند فضایی و جغرافیایی دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۷۳). انزوای جغرافیایی در کنار سایر عوامل متمایزکننده موجب شده است که بلوچ‌ها خود را در سرنوشت ملی کمتر شریک می‌دانند و برخلاف دیگر اقوام ایرانی در تحولات بزرگ درون جامعه ایران نقش قابل توجهی به عهده نمی‌گیرند. در بخش غربی ایران، قوم کرد نمود بیشتری دارد؛ قوم کرد در منطقه‌ای هم‌جوار به

نام کردستان و به طور مجزا در چهار کشور ایران، عراق، ترکیه و سوریه و در نظام‌های حکومتی متفاوت توزیع شده‌اند (عزتی، ۱۳۸۴: ۳۲۸). عرب‌های ایران در بخش مرکزی و جنوب غربی استان خوزستان استقرار دارند (پیشگاهی فرد و امیدی آوج، ۱۳۸۸: ۶). ساکنان منطقه عرب‌نشین خوزستان که در بخش خوزستان کم‌ارتفاع و بخش‌های غربی و جنوبی جلگه خوزستان دارای فرهنگ خاص هستند از حیث زبان و قومیت، اصالتاً عرب هستند. قلمرو ناحیه عرب‌نشین شیعه‌مذهب به مناطق جنوبی عراق نیز گسترش پیدا می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۷۰). مسئله مناقشات قومی با احساسات جدایی‌طلبانه و با نام‌هایی همچون کردستان آزاد، بلوچستان بزرگ و... همواره یکی از مهم‌ترین معضلات کشورهای خاورمیانه بوده است که بعضاً مورد بهره‌برداری سیاسی کشورهای همسایه واقع شده و به منبع تنش تبدیل شده است.

حضور رقبای فرامنطقه‌ای ایران در کشورهای پیرامونی: یکی از عوامل تنش‌زای ایران و کشورهای اسلامی پیرامون آن مساعدت این کشورها جهت حضور رقبای فرامنطقه‌ای ایران از جمله آمریکا اعم از مانورها و پایگاه‌های نظامی می‌باشد. اهم منافع آمریکا عبارتند از: دسترسی و سیطره بر منافع تولید نفت و انرژی و راه‌های انتقال سایر منابع، ثروت و اشراف بر مجموعه اوضاع و شرایط حاکم و ایجاد تنش و درگیری‌های قومی مذهبی تا بستر مناسب برای دگرگونی‌های هدفمند فراهم گردد (مسعودنیا و صادقی نقدعلی، ۱۳۹۲: ۹۷-۱۸۸). از سوی دیگر، نوپایی اکثر کشورهای هم‌جوار (به جز روسیه و ترکیه)، زمینه نداشتن بلوغ سیاسی و نوعی وابستگی به قدرت‌های دیگر را برای آن‌ها فراهم آورده است. همچنین، کمتر توسعه‌یافتگی اقتصادی اجتماعی اغلب این کشورها و اینکه در حال تجربه مراحل نخستین دموکراسی بوده و شهروندان آن‌ها حقوق سیاسی اندکی دارند بر ناپایداری آن‌ها افزوده و به همان نسبت، عدم استقلال سیاسی و تعدد دیدگاه‌های ژئوپلیتیکی را فراهم آورده است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۸-۲۹). عربستان به شدت نگران نفوذ منطقه‌ای ایران به خصوص در میان شیعیان است. با توجه به این مسئله، سیاست خارجی عربستان در قبال ایران در صحنه عراق، لبنان، فلسطین، بحرین و یمن به مثابه تخته

شطرنج رقابت استراتژیک ایدئولوژیک میان ایران و عربستان تبدیل شده است (آلتامینی، ۲۰۱۲: ۸). در سال‌های اخیر، اسرائیل روابط بسیار نزدیکی با ترکیه و تمامی کشورهای تازه استقلال یافته از شوروی برقرار ساخته است. اسرائیل به‌صورت خزنده در حال افزایش حضور خود در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد. سیاست‌های اسرائیل در این منطقه را می‌توان حمایت از یهودیان ساکن منطقه، جلب همکاری و حمایت کشورهای منطقه در مجامع بین‌المللی، واگرایی در روابط کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز با ایران و نیز اعمال فشار بر محیط پیرامونی و امنیت ملی ایران تفسیر کرد (قصاب‌زاده، ۱۳۹۱: ۶۲۸). اسرائیل با هدف محاصره ایران، یک توافقنامه نظامی‌امنیتی در سال ۱۹۹۶ با آنکارا جهت استقرار تجهیزات الکترونیکی در مرزهای خود با ایران امضا نمود. همچنین نزدیکی آذربایجان به اسرائیل و حضور سرویس‌های امنیتی اسرائیل در این کشور و سرمایه‌گذاری اقتصادی در آن، برای ایران قابل تأمل است (نصرتی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۵). پس از انقلاب ایران و با تیره شدن روابط ایران و ایالات متحده، سیاست دوستونه در قبال ایران به سیاست مهار تبدیل و از این‌رو توجه ایالات متحده به کشورهای هم‌جوار ایران بیشتر شد. به‌ویژه پس از فروپاشی شوروی به مرزهای شمالی ایران توجه ویژه‌ای مبذول داشت. ایالات متحده آمریکا به‌عنوان کنش‌گر فعال در مناطق گوناگون با مسائل امنیتی آن‌ها نیز درگیر است (فرجی‌راد و صالحی، ۱۳۹۴: ۴۹). ایالات متحده به‌ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، با تقویت حضور خود در منطقه، درصدد جلوگیری از هرگونه اتحاد منطقه‌ای بوده است. ایران نیز در منطقه، همواره منافع ایالات متحده را به چالش کشیده است (باردار و پیشگاهی‌فرد، ۱۳۹۵: ۷-۳).

ب: تحریم‌های بین‌المللی و یک‌جانبه آمریکا

اثرات مستقیم تحریم بر دیپلماسی عمومی اثرات مستقیم تحریم بر دیپلماسی عمومی ایران محدودیت‌هایی است که به‌صورت مستقیم بر نهادهای فعال در دیپلماسی عمومی ایران وضع شده است. مشخصاً تنها طور سازمان صداوسیما به‌طور مستقیم مورد تحریم قرار گرفته است. ۸۱

بعد از تصویب قانون جامع تحریم ایران که در آن از شرکت‌های خدمات‌دهنده ماهواره‌ای خواسته شده بود تا از ارائه سرویس به شبکه‌های ایرانی خودداری کنند، به تدریج پخش شبکه‌های برون مرزی صداوسیما در خارج از کشور با مشکل مواجه شد. این شبکه‌ها عبارتند از العالم، پرس تی‌وی، الکوثر، شبکه خبر، سحر، جم، و جام ۱ و ۲. از میان این شبکه‌ها، سه شبکه پرس تی‌وی، العالم و آی‌فیلم بیشتر مورد توجه و حملات تحریم‌ها قرار گرفته‌اند. شرکت فرانسوی و تل‌ست در مهر ۱۳۹۱، با ایجاد فشار بر شرکت‌های اقماری خود که سرویس ماهواره‌دهنده هستند، مانند ماهواره هاتبرد، سبب شد تا از ۲۴ مهرماه این ماهواره ارائه خدمات به شبکه‌های العالم، پرس تی‌وی، الکوثر، شبکه خبر، را قطع کند، دو ماه بعد شرکت اسپانیایی ماهواره‌ای هیس‌هاست نیز خدمات‌دهی به شبکه‌های پرس تی‌وی و هیسپانتیوی را قطع کرد. علت آن نیز نفوذ یوتل‌ست در این شرکت است که ۲۸ درصد سهام آن را داراست. شرکت خدمات ماهواره‌ای گلکسی ۱۹ سرویس دهنده ماهواره‌ای به شبکه خبری پرس تی‌وی و شبکه فیلم و سریال آی‌فیلم در آمریکا و کانادا بود، در بهمن ۱۳۹۱ این خدمات را قطع کرد.

اثرات غیرمستقیم تحریم بر دیپلماسی عمومی ایران بخشی از اثرات تحریم بر دیپلماسی عمومی ایران، غیرمستقیم بوده است. این آثار را می‌توان به دو بخش اثرات مثبت و اثرات منفی تقسیم کرد. در بخش اثرات مثبت باید به فضای ایجادشده توسط تحریم‌ها برای ایران اشاره کرد. از آنجا که در دیپلماسی عمومی مسئله مهم دیده شدن و شنیده شدن حرف است، تشدید تحریم سال‌ها اخیر سبب شده است تا فرصت بی‌نظیری به ایران برای دیده شدن و شنیده شدن داده شود. دولت آمریکا برای ایجاد هرچه بیشتر فشارها بر ایران، اقدامات زیادی در سطح بین‌الملل انجام داده است. این فعالیت‌ها سبب می‌شود که توجهات به ایران بیش از اندازه طبیعی شود. به عبارت دیگر، رفتار ایران زیر ذره‌بین افکار عمومی بین می‌رود. نتیجه هر رفتار و گفتاری از سوی ایران بیشترین توجه را به خود معطوف می‌کند. این فرصتی است برای جمهوری اسلامی ایران تا بتواند با هزینه کم پیام خود را به دیگران انتقال دهد (سازمند و براتی، ۱۳۹۳: ۲۳-۴۵).

بخش دیگر مربوط به کاهش ارزش ریال است؛ در سال‌های اخیر و به در سال خصوص از سال ۱۳۹۱ به بعد، ارزش ریال در مقابل با سایر ارزهای خارجی به شدت پایین آمد. این مسئله، تأمین ارز برای فعالیت خارجی را با مشکل مواجه کرد و به دیگر هزینه عبارت‌ها را نزدیک به چند برابر افزایش داد. زیرا بودجه فعالیت نهادها و سازمان‌های داخلی بر اساس ریال برنامه‌ریزی می‌شود. به طور طبیعی این مسئله سبب کاهش تعداد و کیفیت‌های فعالیت خارجی خواهد شد. مسئله دیگر که بر دیپلماسی عمومی ایران تأثیر گذاشته است، کاهش درآمد دولت است. به تحریم دلیل‌های اعمال‌شده فروش نفت ایران کاهش یافته و در برخی مواقع به زیر یک میلیون بشکه در روز رسید که به نسبت به عدد دو میلیون و چهارصد هزار بشکه در روز که قبل از تشدید تحریم‌ها بود، تقریباً نصف شده است. پس باید گفت که درآمد عمومی ایران کاهش یافته است، زیرا مهم‌ترین منبع درآمدی کشور از محل فروش نفت خام حاصل می‌شود. از طرف دیگر به تحریم دلیل‌های بانکی، ایران برای دریافت مبلغ نفت فروخته شده نیز با مشکل مواجه است. در نتیجه طلب‌های ایران از خریداران نفت افزایش می‌یابد. در چند سال اخیر، ایران به سمت دریافت مبلغ نفت فروخته شده با طلا و فلزات گران‌بها حرکت کرد که این مسیر نیز توسط دولت آمریکا مورد حمله تحریم‌ها قرار گرفت. در نهایت درآمدهای عمومی دولت کاهش یافته که در نتیجه آن بودجه دولت نیز کاهش می‌یابد و این مسئله دامن‌گیر نهادها و سازمان‌های فعال در امر دیپلماسی عمومی خواهد شد (سازمند و براتی، ۱۳۹۳: ۲۳-۴۵).

موانع دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

دیپلماسی فرهنگی رقیب جمهوری اسلامی ایران در منطقه

دیپلماسی فرهنگی تلاش هدفمند و هوشمندانه برای درک، مطلع ساختن، مشارکت دادن و تأثیر گذاردن بر مردمان دیگر سرزمین‌ها با هدف تأمین منافع ملی است. به عبارت دیگر، «دیپلماسی فرهنگی به کشورها اجازه می‌دهد که با استناد به عناصر کلیدی و نفوذ دولت‌های

خود، به‌طور مستقیم با مخاطبان خارجی، به انضمام مردم معمولی و رهبران افکار، در ارتباط باشند. نفوذ بر روی توده‌های خارجی و وارد کردن آن‌ها به صحنه بین‌المللی، به‌منظور فراهم آوردن فشار مؤثر به دولت‌های آن‌ها، در نظر گرفته می‌شود» (خرازی محمدوندی آذر، ۱۳۸۸: ۱۰۷). انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک انقلاب فرهنگی، بنیان معرفت‌شناختی ویژه‌ای برای نظام سیاسی برآمده از خود، طرح‌ریزی و مؤلفه‌های خاص آن را ترسیم کرد، مؤلفه‌هایی بیان‌گر رویکرد فرامرزی این دگرگونی معرفت‌شناختی و فرهنگ برآمده از آن بود. جمهوری اسلامی برای ترویج فرهنگ انقلاب اسلامی در پی تأثیرگذاری بر ادراکات، افکار، ارزش‌ها و ایستارهای ملت‌های جهان به‌طور عام و ملت‌های مسلمان به‌طور خاص است، لذا یکی از بخش‌های اساسی دیپلماسی این نظام، دیپلماسی فرهنگی که تعیین‌کننده بسیاری از معادلات سیاسی منطقه و مواضع قدرت‌های جهانی در قبال جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر بسیاری از مسائل داخلی کشور است؛ که توجه بدان و مطالعه چگونگی آن از زیربنایی‌ترین مطالعات مسائل کشور محسوب می‌شود (برزگر، ۲۰۰۶: ۷).

یکی از موضوعات مهم در بحث دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورها و مناطق مختلف جهان، توجه به گروه‌های رقیب در عرصه بین‌الملل است. درواقع می‌توان گفت، بخش مهمی از اقدامات و برنامه‌ریزی‌های از پیش‌طراحی‌شده جمهوری اسلامی در این حوزه، درگرو شناسایی دقیق و سازمان‌یافته گروه‌ها و سازمان‌های رقیب است که امکاناتی بسیار بیشتر از ایران درصدد پیشبرد اهداف مبتنی بر قدرت نرم خود باشند (عرب‌احمدی، ۱۳۹۱: ۱۰۲). کشور عربستان نیز به‌عنوان رقیب دیرینه ایران در سطح منطقه خاورمیانه، همواره درصدد کسب جایگاه قدرت برتر بوده است. به عبارت بهتر، می‌توان این‌گونه بیان نمود که ایران و عربستان به‌عنوان دو قدرت بزرگ منطقه‌ای خواه‌ناخواه رقابت دیرینه و دائم را بر سر رهبری و سیادت سیاسی کشورهای اسلامی دنبال می‌کنند (اخوان کاظمی، ۱۳۷۳: ۱۷۲).

بنابراین می‌توان گفت، بزرگ‌ترین رقیب فرهنگی ایران در جهان اسلام که داعیه ام‌القربایی

جهان اسلام را دارد، کشور عربستان سعودی است که فرقه وهابیت در رأس آن قرار گرفته است و به‌طور موازی با جمهوری اسلامی در مناطق اسلامی و به‌طور عمده با نام سازمان «رابطه العالم الاسلاميه» به فعالیت‌های فرهنگی و ترویج وهابی‌گری و مبارزه بر ضد ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی و تشیع می‌پردازد. شدت رقابت این دو کشور در عرصه فرهنگی و مدعای آن‌ها به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت جهان اسلام به حدی است که به اعتقاد بسیاری، اکنون به جنگ نیابتی در یمن تبدیل شده است. در همین راستا، شاهد رقابت سه گفتمان اسلامی در منطقه هستیم که با توسل به قدرت نرم در حال منازعه فرهنگی جهت ارتقا و تثبیت نفوذ خود در منطقه‌اند که عبارتند از: اسلام سلفی به رهبری عربستان، اسلام سکولار به رهبری ترکیه و اسلام انقلابی به رهبری جمهوری اسلامی ایران که هریک به‌منظور ارائه الگو برای دیگر کشورهای اسلامی در حال رقابت می‌باشند (درویشی و حاجی‌هاشمی، ۱۳۹۵: ۶-۹).

الف: لیبرال دموکراسی

«سیاست خارجی آمریکا به دور از اینکه در مقطعی نگرش واقع‌گرایانه بر آن حاکم بوده است و در برهه‌هایی دیگر تفکرات لیبرالیسم راهنمای آن بوده است، بر اساس یک‌سری اصول کلی خاص بوده است. ماهیت این سیاست محققاً همیشه مبتنی بر یک دستور کار لیبرال قرار داشته است که به‌تناسب موقعیت و شرایط، بهره‌مند از حاکمیت فضای باز اقتصادی مبتنی بر تجارت، سرمایه‌گذاری و حرکت آزاد سرمایه و مدیریت مشترک نظم اقتصادی و سیاسی به‌وسیله حکومت‌های غربی از طریق نهادها و سازمان‌های بین‌المللی بوده است که در نهایت منجر به ثبات تفوق‌گرا بوده است. به این معنا که قدرت اقتصادی مسلط، ثبات مالی بین‌المللی را تضمین می‌کند» (دهشیار، ۱۳۸۱: ۹). به نظر می‌رسد قدرت اقتصادی مسلط، می‌تواند از دیدگاه ایالات متحده سلامت اقتصادی دنیا را تضمین نماید و تنها قدرت اقتصادی مسلط که می‌تواند این مهم را به انجام برساند اصول لیبرالیسم و اقتصاد آزاد است که معتقد است رقابت اقتصادی از بروز جنگ جلوگیری می‌کند از طرفی این آزادی اقتصادی احتیاج به امنیت دارد که این امنیت از

طریق دولتی قدرتمند در سطح جهان باید تأمین و تضمین شود و چون کشورهای خارج از مدار غرب و لیبرالیسم توانایی تأمین این امنیت را ندارند ایالات متحده خود را پیشگام این مسئله می‌داند که تأمین امنیت اقتصادی را در جهان به عهده بگیرد. چنانکه روزولت در آغاز گشایش کنفرانس بر تن و دز که برای نظم دادن به حیات آتی نظام اقتصاد سرمایه‌داری در سطح جهانی شکل گرفته بود اعلام کرد: «سلامت اقتصادی هر کشوری، شایسته توجه همسایگان، چه دور و نزدیک می‌باشد» (نقیب‌زاده، ۱۳۸۳: ۹۰). به نظر می‌رسد که این سلامت اقتصادی به هر نحو باید تأمین و تضمین گردد که این تأمین امنیت با قدرت امکان‌پذیر است.

درمجموع ایالات متحده علاوه بر تأکید بر اخلاقیات جهت تثبیت این موارد به قدرت و اجرای بی‌چون‌وچرای آن جهت استراتژی مورد نظر تأکید دارد چنانکه شکل و نحوه اعمال قدرت می‌بایستی بر اساس یک الگوی نهادینه شده جهانی باشد که مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های لیبرال مورد توجه آمریکا می‌باشد تا از این طریق به دنبال توفیق در یک‌پارچگی، کشورهای غیرغربی نتواند از طریق فرایند سیاسی حکومت غیرهمسو، این یک‌پارچگی را به تزلزل بکشاند. در حقیقت هژمونی مورد نظر آمریکا در همین چارچوب است و می‌توان مواردی را در این مورد برشمرد:

۱. مسئولیت داشتن آمریکا در حل مسائل و بحران‌های بزرگ.
۲. نگاه آمریکا به اداره جهان و تلاش برای مدیریت مسائل اساسی دنیا ازجمله مسئله امنیت و نیز ترویج نظام سرمایه‌داری در جهان.
۳. کنترل نقاط ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک اقتصادی و سرزمینی در جهان به‌منظور تضمین حاکمیت بر جهان.

۴. برنامه آمریکا برای باقی ماندن در رأس قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی جهان.
۵. تأکید بر رهبری جهان توسط آمریکا و علاقه‌مندی ایالات متحده به تشکیل نظام تک‌قطبی در جهان و قرار گرفتن در رأس نظام نوین جهانی به عبارتی دیگر، ایالات متحده می‌خواهد رهبر

دنیا گردد و در این رابطه از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد (نصر، ۲۰۰۶: ۵).

باید گفت استراتژی مورد نظر ایالات متحده در سطح کلان به مسائل امنیت داخلی و خارجی مربوط می‌شود. چنانکه ایالات متحده در استراتژی مسلم خود که برای رسیدن به امنیت و ثبات دنبال می‌نماید که عبارتند از: «۱. بهره بردن از منافع یک جهان منسجم و هماهنگ که در آن آزادی و امنیت و خوشبختی برای آمریکا و دیگر کشورها گسترده است، ۲. استراتژی‌های آمریکا باید در راستای فرونشاندن و نیروهای بی‌ثبات‌کننده جهانی باشد تا بتوان منافع پیش گفته را پایدار ساخت» (سریع‌القلم، ۱۳۷۸: ۸۹). بنابراین ایالات متحده آمریکا در این رابطه کاملاً هماهنگ عمل خواهد نمود و تلاش خواهد کرد که این هماهنگی به نحو شایسته‌ای انجام گردد و نیروهای بی‌ثبات‌کننده را هرگونه که امکان دارد حذف نمود. این نیروهای بی‌ثبات‌کننده دغدغه اصلی ایالات متحده هستند که یا کشوری را شامل می‌گردند (ایران، کره شمالی، کوبا، لیبی، سوریه) و یا غیردولتی هستند (حزب‌الله، القاعده، حماس اخوان‌المسلمین و...).

ب: دیپلماسی فرهنگی عربستان

با توجه به آنچه از ساختار حکومتی عربستان سعودی گفته شد، بدیهی است این کشور همیشه به دنبال نفوذ فرهنگی در منطقه بوده و هست. «با خروج نظامی انگلستان از شرق، کانال سوئز و تفویض حاکمیت سیاسی به شیوخ محلی، عربستان با استفاده از نفوذ فرهنگی خود کوشید تا نقش برادر بزرگ‌تر را در خصوص شیخ‌نشین‌های کوچک حوزه خلیج‌فارس بر عهده گیرد. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، گرچه عربستان مایل نبود که ایران قدرت اول منطقه شود، ولی با پیروزی انقلاب اسلامی، این انقلاب را تهدیدی علیه امنیت داخلی و نفوذ منطقه‌ای خود می‌دانست و دست به اقداماتی زد که بسیاری از آن‌ها نشان‌دهنده نگرانی از تحرکات شیعیان بود. تأسیس مؤسسات تبلیغاتی برای خدشه‌دار کردن چهره انقلاب، تشکیل شورای همکاری خلیج‌فارس، حمایت همه‌جانبه از رژیم بعثی در جنگ تحمیلی، خریدهای تسلیحاتی و... بخشی از اقدامات این حکومت بود. تشدید اقدامات امنیتی در داخل عربستان به‌منظور زیر فشار گذاشتن

طرفداران انقلاب اسلامی از دیگر اقدامات این رژیم بود» (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۵۴-۱۵۷).

از آن پس عربستان سعودی، از طریق شورای همکاری خلیج فارس، استراتژی خود در آن منطقه را که عمق استراتژیک اقلیمی و منطقه‌ای محسوب می‌شد، اعمال می‌کرد. همچنانکه از طریق اتحادیه عرب، استراتژی خود در کشورهای عربی را پی می‌گرفت که عمق استراتژیک قومی او محسوب می‌شود و استراتژی معنوی خود را که بخش عمده دیپلماسی فرهنگی بود، از طریق سازمان‌هایی چون رابطه العالم الاسلامی و سازمان همکاری اسلامی اعمال می‌کرد (عظیمی، ۱۳۸۰: ۸۷).

عربستان با توجه به اینکه مدعی ام‌القرای جهان اسلام است، در تلاش است تا با هدف شکل‌دهی، هدایت و مدیریت تفکرات اسلامی به این مهم دست بزند. از جمله مهم‌ترین ابزارهای این کشور در دیپلماسی عمومی عبارتند از:

۱. قدرت رسانه‌ای و آموزش عالی فراملی یکی از تحولاتی که در سال‌های اخیر مشهود است، تلاش چشمگیر عربستان در عرصه رسانه‌ای و تأسیس و توسعه مراکز دانشگاهی، علمی و آموزشی است. به عبارت بهتر؛ امروز اعراب با نفوذ نرم عربستان در منطقه، به شبکه‌های تلویزیونی «الجزیره»، «العربیه»، «ام‌بی‌سی» و «آر تی» نگاه می‌کنند و جراید «الشرق الاوسط»، «الحیات» و «ایلاف» را مطالعه می‌کنند و آرزو دارند، فرزندانشان را به دانشگاه «ملک سعود»، «ملک فهد» و «ملک فیصل» بفرستند. به‌ویژه معتبرترین علمای سنی جهان اسلام اغلب فارغ‌التحصیلان دانشگاه ام‌القرای مکه، دانشگاه اسلامی مدینه و دانشگاه محمد بن سعود ریاض هستند (فرازمند، ۱۳۸۸: ۴۴-۴۵).

۲. جذب دانشجوی و ترویج اندیشه سلفی علاوه بر این، مجمع عمومی دانشجویان مسلمان جهان که مرکز آن در عربستان قرار دارد، اساس کارش را جذب دانشجویان و طبقه جوان کشورهای اسلامی قرار داده است. در همین خصوص، عربستان تلاش می‌کند تا با ترویج و تبلیغ سلفی‌گری و وهابیت، دیپلماسی فرهنگی خود را پی گیرد و مانع نفوذ شیعی‌گری شود. این عمل

با منزوی ساختن شیعیان، داعیه دفاع از اسلام و مبارزه با رفض، بدعت و انحراف از سنت همراه است و به بهانه تطرف دینی، عدول مطرفین از سنت پیامبر و سیره سلف صالح و نیز تحت تأثیر القاءات شیعی قرار داشتن، به فروکوبیدن هر نوع اندیشه اسلامی و انقلابی می‌پردازند. قیام‌های داخلی و اعتراضات غیرشیعه را نیز تحت این نام سرکوب می‌کردند و هرچه بیشتر در انتقاد از تشیع و انحرافی نشان دادن آن توفیق می‌یافتند، به همین میزان در متهم ساختن مسلمانان مبارز نیز موفق بودند (شیخ‌الاسلامی و سردار، ۱۳۹۱: ۱۱۴-۱۱۷).

۳. تقویت محافل بین‌المللی تقویت محافل بین‌المللی مانند ایجاد سازمان رابطه العالم الاسلامی، نقش ویژه‌ای در دیپلماسی فرهنگی عربستان دارد. این سازمان از طریق مصوبه اولین کنفرانس عمومی اسلامی در مکه به دعوت پادشاهی عربستان سعودی، به وجود آمده است. محورهای فعالیت رابطه العالم الاسلامی عبارت است از: فعالیت‌های تبلیغ بین‌المللی شامل سامانه آموزش بین‌المللی رهبران، ائمه جماعات و مبلغان مذهبی، اعزام دانش‌آموختگان مقاطع عالی به عنوان سفیران فرهنگ دینی، پیام‌رسانان مستقل و کفالت امور مادی مبلغان، وعاظ و ائمه جماعات، تأسیس شبکه نخبگانی با ترکیب دانشمندان مسلمان، برگزاری همایش‌ها و هم‌اندیشی‌های بین‌المللی اسلامی، صدور بیانیه‌های رسمی با هدف تولید گفتمان مدیریت تولید و انتشار رسانه‌های اسلامی مکتوب، رسانه‌های دیداری و شنیداری، و رسانه‌های فضای مجازی، تارنماهای اینترنتی، صدور فتاوی شرعی با هدف تولید دانش اسلامی، اعطای کمک‌هزینه‌ها و بورسیه‌های تحصیلی برگزاری کمپی نهادهای علمی آموزشی، فعالیت‌های بشردوستانه و امدادی تبلیغی، ارائه خدمات سبک زندگی اسلامی یکی از زیرمجموعه‌های رابطه العالم الاسلامی، سازمان بین‌المللی امداد اسلامی (هیئة الغاثة الاسلامیه العالمیه) است که موظف به کمک‌رسانی به کشورهای اسلامی است. عربستان از طریق بانک توسعه اسلامی ۷۷ میلیارد ریال به ۳۵ کشور اسلامی و عربی کمک کرده است که بعد از آمریکا، دومین رتبه را در کمک‌رسانی به کشورهای عربی اسلامی دارد.

نتیجه‌گیری

نقش دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در تبادل ایده‌ها، انگاره‌ها، ایدئال‌ها، اندیشه‌ها، اطلاعات، هنر، دانش، مهارت‌ها، باورها، سنت‌ها و عناصر فرهنگی کشور با سایر کشورها و ملت‌ها جهت ایجاد و تقویت درک و فهم متقابل بسیار مهم است. تقویت و توسعه دیپلماسی فرهنگی و روابط بین‌الملل و بهره‌برداری دستگاه دیپلماسی فرهنگی کشور می‌تواند از چالش‌ها و مشکلات سیاست خارجی کشور بکاهد. جمهوری اسلامی ایران، در سال‌های اخیر، به دنبال گسترش حوزه نفوذ خود در منطقه خاورمیانه بوده است و در این راستا از ابزار مهم «دیپلماسی عمومی» بهره برده است. چنانکه آمد جمهوری اسلامی ایران، در این راه، دچار چالش‌هایی است که بخش مهمی از این چالش‌ها به رقابت‌های سیاسی و ایدئولوژیک با کشورهای منطقه، به خصوص عربستان سعودی، و نیز قدرت‌های بزرگی چون ایالات متحده باز می‌گردد. باید توجه داشت که هدف دیپلماسی عمومی تأثیر بر افراد و اعضای عادی جامعه است که از طریق آن بتوان «نفوذ» سیاسی و فرهنگی بیشتری را به دست آورد و در این راه باید از ابزارهایی چون شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای و نیز رسانه‌های نوین بهره برد. جمهوری اسلامی ایران نیز با ایجاد شبکه‌های مختلف به زبان عربی، سعی زیادی در پیش‌برد دیپلماسی عمومی در منطقه خاورمیانه، به خصوص برای کشورهای عربی این منطقه داشته است. در این میان، وجود شبکه‌های رقیب که توسط کشورهای دیگر اداره شده و نیز تحریم‌های بین‌المللی، دو چالش عمده در مقابل ایران برای گسترش حوزه دیپلماسی عمومی خود است.

در کنار این چالش‌ها، باید به این موضوعات نیز توجه داشت که، عمده‌ترین سازوکارهای توسعه و تقویت دیپلماسی فرهنگی عبارتند از: جذب گردشگران فرهنگی؛ راه‌اندازی و تقویت سایت چندزبانه کتابخانه‌ها؛ راه‌اندازی کتابخانه‌های تخصصی و منحصربه‌فرد با موضوعاتی مانند شیعه، تمدن بزرگ ایرانی اسلامی، هنر، فرش، صنایع دستی، آثار دانشمندان؛ ایجاد خواهرخواندگی بین شهرهای برجسته داخل و خارج از کشور؛ معرفی فرهنگ ایرانی از طریق برنامه‌های بین‌المللی

صداوسیما مانند جام جم. همکاری با موسسه فرهنگی اکو از طریق برگزاری مستمر کنفرانس‌های تقریب مذاهب و فرهنگی در کشورهای خاورمیانه؛ برگزاری نشست‌های نقش ادبیات در پیوند ملت‌های منطقه؛ ایجاد پایگاه‌های مختلف چندزبانه با همکاری کارگروه‌های تخصصی با حضور متخصصینی از کشورهای عضو منطقه در قالب مرکز اطلاع‌رسانی؛ توسعه نظام‌های بازیابی اطلاعات چندزبانه. برگزاری جشنواره‌ها و فستیوال‌های بین‌المللی از سوی کتابخانه‌های بزرگ کشور برای مثال جشنواره کتاب سال رضوی؛ برگزاری دوره‌های آموزش و کارگاه‌های آشنایی با نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های کشور به زبان‌های مختلف فارسی، عربی، ترکی، اردو و ...؛ برقراری ارتباط با رایزنان فرهنگی با دعوت از سفرا، کارداران و رایزنان فرهنگی مقیم کشور جهت بازدید و آشنایی با توانمندی‌های فرهنگی کشورها؛ توسعه همکاری کتابخانه‌های کشورهای همسایه در دو حوزه زبان فارسی و دین اسلام از طریق کمیته ملی حافظه جهانی ایران و کشورهای مذکور با ارائه آثار مشترک در راستای برنامه حافظه جهانی یونسکو و کمیته منطقه‌ای آسیا و اقیانوسیه حافظه جهانی؛ ایجاد اتحادیه کتابخانه‌های جهان اسلام و تشیع.

فهرست منابع

- ۱- احمدی، حمید (۱۳۷۸)، قومیت و قوم‌گرایی افسانه تا واقعیت، تهران: نشر نی.
- ۲- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۳)، مروری بر روابط ایران و عربستان در دو دهه اخیر، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۳- بازدار، شهناز و همکاران (۱۳۹۵)، «بررسی و اولویت‌بندی عوامل واگرایی اثرگذار در روابط ایران و کشورهای اسلامی پیرامونی»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۲، شماره ۶.
- ۴- پیشگاهی‌فرد، زهرا و امیدی آوج، مریم (۱۳۸۸)، «ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها»، ژئوپلیتیک، شماره ۱۴.
- ۵- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۷)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- ۶- حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۷)، کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: ابرار معاصر.
- ۷- خرازی محمدوندی آذر، زهرا (۱۳۸۸)، «تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر منافع ملی کشور»، مدیریت فرهنگی، سال ۳، شماره ۶.
- ۸- درایسدل، الاسد ایروجر و الداج، بلیک (۱۳۶۹)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه میرحیدر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- ۹- درویشی، فرهاد و حاجی‌هاشمی مرضیه (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی عملکرد دیپلماسی فرهنگی ایران و عربستان در خاورمیانه ۲۰۱۵-۲۰۰۱»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۵، شماره ۲۰.
- ۱۰- دهشیار، حسین (۱۳۸۱)، سیاست خارجی آمریکا و هژمونی، تهران: خط سوم.
- ۱۱- ربیعی، حسین (۱۳۹۳)، «تبیین شاخص‌های ژئوپلیتیک قدرت هوشمند ایران در راستای تحولات جدید خاورمیانه»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۴، شماره ۳.
- ۱۲- رضوی، احمد (۱۳۸۴)، واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل، تهران: البرز.
- ۱۳- سازمند، بهاره و مسعود براتی (۱۳۹۳)، الزامات و چالش‌های دیپلماسی عمومی ایران در عصر جهانی‌شدن، تهران: انتشارات مرکز ملی جهانی‌شدن.
- ۱۴- سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی، بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۱۵- شیخ‌الاسلامی، محمدحسن و حمید سردار (۱۳۹۱)، «الگوی مذهبی در دیپلماسی فرهنگی عربستان: مورد کاوی سازمان رابطه العالم الاسلامی»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۲، شماره ۴.
- ۱۶- صالحی، جواد و سعید ساسانیان (۱۳۹۲)، «بررسی تغییرات سامانه نظم متأثر از تحولات خاورمیانه با تمرکز بر ژئوپلیتیک شیعه در سال ۲۰۱۱»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۳، شماره ۲.
- ۱۷- صرتی، شهریار و همکاران (۱۳۹۵)، «تحلیل موانع همگرایی ایران با کشورهای پیرامونی در قرن بیست و یکم و ارائه یک برنامه استراتژیک با استفاده از تکنیک SWOT و MCDM»، ژئوپلیتیک، سال ۶، شماره ۳، پیاپی ۲۳.

- ۱۸- عرب احمدی، امیربهرام (۱۳۹۱)، «سیاست‌های مداخله‌جویانه دینی عربستان در کنیا، تانزانیا و اوگاندا»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۱، شماره ۳.
- ۱۹- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۹)، ژئواستراتژی و قرن بیست‌ویکم، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۰- عسگرخانی، ابومحمد و محمود بابایی (۱۳۹۱)، «امنیت هستی‌شناختی و مسائل امنیتی خلیج فارس بعد از انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۲، شماره ۴.
- ۲۱- عظیمی، رقیه‌سادات (۱۳۸۰)، عربستان سعودی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲۲- فرازمند، محمد (۱۳۸۸)، «ایران و مناسبات جدید قدرت در خاورمیانه»، پژوهش‌نامه سیاست خارجی، شماره ۲۱، اردیبهشت.
- ۲۳- فرجی‌راد، عبدالرضا و علیرضا صالحی (۱۳۹۴)، دولت‌های فرومانده، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۲۴- قصاب‌زاده، مجید (۱۳۹۱)، «ژئوپلیتیک روابط ایران و آسیای مرکزی»، مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران: قابلیت‌ها و ظرفیت‌های کاربردی جغرافیای سیاسی، ۳ و ۴ خرداد، رشت.
- ۲۵- کاظمی، حمیدرضا (۱۳۹۲)، سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۲۶- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت‌معلم تهران.
- ۲۷- مسعودنیا، حسین و زهرا صادقی نقدعلی (۱۳۹۲) «خاورمیانه بزرگ جهان اسلامی؛ چالش‌ها و راهکارها»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۳، شماره ۱.
- ۲۸- مهدی‌زاده علی و فرشته میرحسینی (۱۳۹۶)، «ریشه‌های ایران‌هراسی از نگاه افکار عمومی جهان عرب»، سیاست خارجی، سال ۳۱، شماره ۲.
- ۲۹- نقیب‌زاده احمد (۱۳۸۳)، تاریخ روابط بین‌الملل، تهران، قومس.
- 30- Andersen, Lars Erslev (2007) Postscript after Lebanon, A new Cold War in the Middle East, in Andersen: Innocence Lost. Islamism and the battle over
- 31- Barzegar, Keyhan, (2006) Iran and The New Iraq: Security Challenges Foreign Powers, Turkish Journal Of International Relations, Vol.5, No.3
- 32- Kim, Hwajung (2011), Cultural Diplomacy as the Means of Soft Power in an Information Age, from www.culturaldiplomacy.org.
- 33- Moran, Michael, (2005) The Arab League and Iraq, The Council on Foreign Relations, October
- 34- Nasr, V. (2006). Behind the rise of the shittes, time.com, <http://www.Belfercenter.com>.